

Meta-Analysis of Studies on Women's Sense of Social Security

Mohammad Amirpanahi 

Assistant Professor, Department of Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Fatemeh Namiyan * 

Master's degree graduate in Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Introduction

The sense of social security in women, as one of the important indicators of social development and quality of life, has attracted the attention of researchers and policymakers in recent years. In Iran, despite efforts to improve social security, women still face numerous challenges in this area. The feeling of security refers to an individual's experience and perception of the security situation in their environment. This feeling can be influenced by various factors, such as past experiences, available information in society, and the level of trust in social institutions and other individuals. Despite numerous studies on the sense of social security among women in Iran, the results of these studies sometimes appear contradictory and scattered. These differences may arise from variations in methodology, sampling, or different definitions of the feeling of security. Therefore, conducting a comprehensive meta-analysis of these studies could help identify common patterns, influential factors, and research gaps.

Research Question(s)

What sociological factors have influenced women's sense of social security? To what extent do these factors explain it?

* Corresponding Author: namianfatemeh@gmail.com

How to Cite: Amirpanahi, M; Namiyan, F. (2024). Meta-analysis of Studies on Women's Sense of Social Security, *Journal of Social sciences*, 31 (105) , 97-126.

Literature Review

Most studies have focused on examining the factors that influence women's sense of security, with each addressing one or more such factors. For example, some have explored the relationship between social identity and security; others have investigated media consumption, social support, urban spaces, cultural factors, and similar elements. However, the majority of these studies have examined women's social security from a non-comprehensive and single-factor perspective, neglecting to consider a broader set of variables and failing to present a somewhat coherent picture of women's social security. Regarding the topics of social security and meta-analysis, numerous studies have been conducted separately on each. However, no meta-analysis has yet been carried out specifically on women's sense of social security in Iran, and even in theoretical literature and international research, such studies remain rare or virtually nonexistent.

Materials and Methods

This study is a meta-analysis (quantitative) in nature. Meta-analysis involves the combination, integration, and unification of studies conducted within a specific field. This method is used for a systematic review that quantitatively synthesizes the results of a large number of studies. It consists of five stages:

1. Formulating the research question,
2. Conducting a literature search,
3. Selecting eligible studies,
4. Extracting data and assessing its quality and validity, and
5. Synthesizing, interpreting, and reporting the findings.

The statistical population of this research includes all studies conducted in Iran between 2011 and 2019 on the topic of women's security, which have been indexed in scientific databases such as SID, Noormags, and Magiran. Out of more than 36 identified studies on "women's sense of social security," 25 research documents have been ultimately selected that met the criteria for quantitative meta-analysis—namely, correlation coefficient, sample size, significance level, research quality, validity, reliability, and the use of surveys.

After the initial classification, typology, and description of the studies, variables that had been repeated more than twice were entered into the CMA2 software to determine their effect sizes and correlation coefficients.

Conclusion

The factors identified in this study—media usage, social trust, cultural capital, social cohesion, social participation, poverty, and women's subordination—provide valuable insights into the complex outlook of women's sense of security in Iranian society. The conclusion of this meta-analysis indicates that women's sense of social security in Iran is influenced by a complex interaction of factors, including the impact of media, social trust, cultural capital, social cohesion, participation, and economic vulnerability.

By addressing the multidimensional factors identified in this study, a society can be approached where women feel empowered, secure, and equal in shaping their future.

Keywords: Women's Sense of Social Security, Meta-Analysis, Cultural Capital, Social Participation, Poverty, Subordination



فرا تحلیل مطالعات احساس امنیت اجتماعی زنان

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

محمد امیرپناهی 

دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، ایران.

فاطمه نامیان * 

چکیده

تاکنون پژوهش‌های متعددی در ارتباط با احساس امنیت اجتماعی به انجام رسیده است؛ اما یافته‌های به‌دست‌آمده در این حوزه پراکنده، منفرد، متنوع و بدون ارتباط باهم است. به‌علاوه بسیاری از مطالعات تنها به یک یا دو عامل مؤثر بر احساس امنیت پرداخته‌اند و عوامل دیگر را نادیده گرفته‌اند. نظر به اهمیت چنین مسئله‌ای به‌منظور جمع‌بندی و همسو کردن نتایج پژوهش‌ها، تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که به‌طور کلی چه عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان کدام‌اند و این عوامل به چه میزان آن را تبیین کرده است. مکانیسم اجرای پژوهش، فرا تحلیل کمی با استفاده از نرم‌افزار CMA2 است. هدف این روش، انسجام‌بخشی، مرور نظام‌مند و یکدست‌سازی مطالعات صورت گرفته در یک حوزه معین پژوهشی است. جامعه آماری آن نیز ۲۵ پژوهش انجام‌شده در دهه ۱۳۹۰ به دلیل داشتن شرایط آماری مورد استفاده در تحقیق، باهدف ترکیب و شناسایی میزان تأثیر متغیرها بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که احساس امنیت اجتماعی زنان به‌عنوان متغیر وابسته اصلی تأثیرپذیر از متغیرهایی نظیر استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فقر و فرودستی زنان است و هر متغیر توانسته است سهمی از تغییرات ایجادشده در احساس امنیت زنان را تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی زنان، فرا تحلیل، سرمایه فرهنگی، مشارکت اجتماعی، فقر و فرودستی.

مقدمه و طرح مسئله

احساس امنیت اجتماعی زنان به عنوان یکی از شاخص های مهم توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی، در سال های اخیر مورد توجه پژوهشگران و سیاست گذاران قرار گرفته است. در ایران، با وجود تلاش های صورت گرفته برای بهبود امنیت اجتماعی، زنان همچنان با چالش های متعددی در این زمینه مواجه هستند. احساس امنیت اجتماعی زنان یکی از شاخص های کلیدی توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی در هر جامعه است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت، نقش اساسی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایفا می کنند. بنابراین، احساس امنیت آن ها نه تنها بر زندگی فردی شان تأثیر می گذارد، بلکه بر عملکرد کلی جامعه نیز مؤثر است. امنیت را می توان به مفهوم مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد نیز به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل، هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف نمود (Jones, 1999: 102). اما احساس امنیت به تجربه فردی و ادراک فرد از وضعیت امنیتی در محیط خود اشاره دارد. این احساس می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند تجربه های گذشته فرد، اطلاعات موجود در جامعه، و سطح اعتماد به نهادهای اجتماعی و افراد دیگر قرار گیرد. افراد ممکن است در جامعه ای با امنیت اجتماعی بالا احساس ناامنی کنند یا بالعکس. بنابراین احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضدامنیتی در شرایط فعلی و آتی. در سطح فردی، احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی گردد و هرچه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد احساس امنیت پایین تر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعت از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد لیکن شهروندان در آن احساس امنیت نداشته باشند و بالعکس (کلاهیچیان، ۱۳۸۲: ۹۳).

احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران موضوعی حیاتی و پیچیده است که شامل طیف وسیعی از ابعاد، فردی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی می‌شود و همگی به شدت با پویایی‌های جنسیتی درهم تنیده‌اند. در کانون این مسئله، مفهوم نابرابری جنسیتی وجود دارد که همچنان دسترسی زنان به مزایای کلیدی امنیت اجتماعی، از جمله مستمری، بهداشت و رفاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ایران، چالش‌هایی که زنان در دستیابی به امنیت اجتماعی با آن‌ها مواجه هستند، متعدد و ناشی از هنجارهای پدرسالارانه ریشه‌دار، قوانین و فرصت‌های اقتصادی محدود هستند. این عوامل اغلب مشارکت کامل زنان در بازار کار را محدود می‌کنند، دسترسی آن‌ها به حمایت‌های اجتماعی را مانع می‌شوند و نابرابری‌ها در درآمد و مزایای رفاهی را تداوم می‌بخشند. زنان همچنین به طور نامتناسبی بار مسئولیت‌های مراقبت را به دوش می‌کشند که این امر استقلال اقتصادی و دسترسی آن‌ها به اشتغال رسمی - عوامل کلیدی که تعیین‌کننده واجد شرایط بودن برای برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی هستند - را بیشتر محدود می‌کند. سیستم‌های رفاهی در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، در ابتدا بدون در نظر گرفتن نقش‌های اجتماعی-اقتصادی متمایز زنان طراحی شده‌اند که می‌تواند منجر به فاصله جنسیتی در حمایت و پشتیبانی گردد. به عنوان مثال، درآمد کمتر زنان در طول عمر، به دلیل دستمزد نابرابر و وقفه‌های شغلی (مثلاً به دلیل زایمان و مراقبت از خانواده)، منجر به حق بازنشستگی کمتر و امنیت مالی محدود در دوران بازنشستگی می‌شود. علاوه بر این، زمینه سیاسی و فرهنگی در ایران وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند. چارچوب‌های قانونی در کشور، همراه با برنامه‌های رفاهی تحت کنترل دولت و ساختار اجتماعی پدرسالارانه، سیستمی ایجاد می‌کند که اغلب نیازهای زنان را حاشیه‌ای کرده و دسترسی آن‌ها به حمایت‌های اجتماعی جامع را محدود می‌کند. تقاطع این عوامل اجتماعی-سیاسی، حقوقی و اقتصادی نیازمند بررسی دقیق‌تری از چگونگی ساختار و تجربه امنیت اجتماعی زنان در ایران است.

زنان در ایران با چالش‌های مختلفی مواجه هستند که بر احساس امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، از جمله دسترسی محدود به منابع، نابرابری در مشارکت اجتماعی و

هنجارهای فرهنگی که حاشیه‌ای شدن آن‌ها را تداوم می‌بخشد. هدف این پژوهش بررسی و اندازه‌گیری عواملی است که بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران تأثیر می‌گذارد. امنیت زنان از مسائل اجتماعی مهم هر کشوری است (میرمحمدتبار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳). پیش‌نیاز هرگونه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، امنیت است (کرد زنگنه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۹). وجود امنیت، نیاز اساسی هر اجتماع (Muller, 2000) و از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی، روان‌شناختی فرهنگی هر جامعه است (شربتیان، ۱۳۹۳: ۷۹). امنیت و سلامت اجتماعی زنان، جزئی از شاخص اجتماعی توسعه تلقی می‌شود، به این دلیل سازمان ملل متحد دهه ۷۰ میلادی را بنام «زن و توسعه» نام‌گذاری کرده است (مکانیکی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹). زنان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای، نقش مهم و مؤثری در پیشبرد و تعالی و اهداف جامعه دارند؛ این مهم جز با احساس امنیت آن‌ها در عرصه اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد شد (احمدی و کلدی، ۱۳۹۱: ۱). البته بسته به نوع نظام سیاسی و فرهنگی جوامع، احساس امنیت بین زنان و مردان تفاوت می‌پذیرد. زنان به دلایل بیولوژیکی و روان‌شناختی (مدیری، ۱۳۸۵)، بیشتر از مردان دچار احساس ناامنی می‌شوند و بیشتر قربانیان جرائم را مردان و بیشتر احساس ناامنی و ترس از جرم را زنان تجربه می‌کنند. درواقع، تجربه و پنداشت جرم امری جنسیتی شده است (عشایری، ۱۳۹۷). چه‌بسا همین امر سطح مشارکت اجتماعی زنان را کاهش داده است (شکوری اصل، ۱۳۹۵: ۸۶).

کنت ناهماهنگی بین ذهن اجتماع (نویدنیا، ۱۳۸۵)، دورکیم بی‌هنجاری اخلاقی (نوروزی و فولادی، ۱۳۸۸)، وبر نظام بروکراسی و قفس آهنین (ساروخانی، ۱۳۸۰)، کلمن کاهش سرمایه اجتماعی (عشایری، ۱۳۹۷) و ضعف قواعد هنجاری اجتماعی (متولی، ۱۳۸۴) را تهدیدکننده امنیت می‌داند. مزلو، برای امنیت بعد از نیازهای زیستی و فیزیولوژیک اهمیت قائل بود (McLeod, 2014). احساس ناامنی، امروزه یک چالش اجتماعی-روان‌شناختی تبدیل شده است (پور موسوی و امینی، ۱۳۹۲) و مطابق نتایج پژوهش‌ها، تجربه زیسته زنان ایرانی حاکی از وقوع رفتارهای نابهنجاری است (بقایی سرایی و حق‌شناس، ۱۳۹۵) که در کاهش ضریب امنیت آن‌ها مؤثر است. البته زنانی که

دارای سرمایه اجتماعی بالایی هستند، در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی و تهدیدآمیز، کمترین ناامنی را تجربه می‌کنند (Howdon and Raine, 2009). وجود اعتماد، حمایت خانوادگی و داشتن نظام پشتیبان اجتماعی در احساس امنیت زنان در فضای شهری نقش مهمی بازی می‌کند. زنانی که سطح سرمایه فرهنگی بالایی دارند نیز خود را ایمن در برابر ناامنی می‌دانند (Kavanaugh, 2014). با افزایش سطح تحصیلات زنان، مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی نیز کاهش می‌یابد (Breili and Tonello, 2014). زنان که از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند، عملاً علقه اجتماعی بیشتری با اعضای خانواده، همسایه‌های محل و همکاران خود دارند؛ ازاین‌رو، از منابع کنترلی بیشتری برخوردار بوده و کمتر احساس ناامنی می‌کنند.

درباره احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. با بررسی این پژوهش‌ها می‌توان گفت که مطالعه احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران به‌طور اساسی شامل بررسی تبعیض‌های جنسیتی است که زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و قانونی با آن مواجه هستند. موانع اجتماعی و فرهنگی، مانند هنجارهای پدرسالارانه، قوانین تبعیض‌آمیز و فرصت‌های محدود برای استقلال اقتصادی یا مشارکت سیاسی، احساس امنیت اجتماعی زنان را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، سیستم‌های تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی امنیت اجتماعی، نقشی حیاتی در حمایت از زنان در دوره‌های مختلف زندگی ایفا می‌کند، ازجمله در دوران بیکاری، زایمان، بازنشستگی و بیماری؛ اما فاصله جنسیتی در این سیستم‌ها می‌تواند بسیار چشمگیر باشد، زیرا زنان به دلیل درآمدهای پایین‌تر، مسئولیت‌های بیشتر در زمینه مراقبت از دیگران و حضور ضعیف‌تر در بازار کار رسمی، اغلب حمایت کمتری دریافت می‌کنند. علاوه بر این، زمینه سیاست در ایران نقش بسزایی در شکل‌دهی به وضعیت امنیت اجتماعی زنان دارد. زنان ایرانی با چالش‌هایی خاص مواجه هستند که ناشی از تلاقی هنجارهای فرهنگی، محدودیت‌های سیاسی و واقعیت‌های اقتصادی است. ایران با ترکیبی از قوانین، برنامه‌های رفاهی دولتی و ساختار اجتماعی پدرسالارانه، بر توانایی زنان برای

مشارکت کامل در برنامه‌های تأمین اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این مسائل نشان می‌دهند که بررسی دقیق احساس امنیت اجتماعی زنان، به‌ویژه با استفاده از متاآنالیز، می‌تواند به درک بهتر و جامع‌تری از مشکلات موجود کمک کند و راهکارهای مؤثری برای اصلاح نابرابری‌ها ارائه دهد. پژوهش‌های تجربی (صورت گرفته)، ضمن داشتن یافته‌های مناسب، از پراکندگی و فقدان انسجام تجربی و نظری رنج می‌برند. این پژوهش قصد دارد با مطالعه تحقیقات صورت گرفته درباره احساس امنیت اجتماعی زنان، به یک جمع‌بندی مناسب علمی دست یابد تا بتوان به تصویری نسبتاً جامع درباره احساس امنیت اجتماعی زنان دست یافت. برای این کار شاید یکی از ابزارها فرا تحلیل باشد. فرا تحلیل یکی از روش‌های توصیفی است که پژوهش‌های انجام‌شده را ارزیابی می‌کند و از تحلیل آماری نتایج بسیاری از مطالعات و تحقیقات منفرد در حوزه‌ای معین باهدف ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های حاصله که بتواند دیدی نسبتاً منسجم از علل و عوامل آن پدیده و نیز میزان اثرگذاری هر یک از پارامترها ارائه کند، بهره می‌برد. درواقع فرا تحلیل در این زمینه یک تکنیک آماری است که به ترکیب نتایج چندین مطالعه در مورد احساس امنیت اجتماعی زنان کمک می‌کند که ممکن است پراکنده یا نتایج متناقضی داشته باشند. از طریق متاآنالیز، می‌توان تخمین تجمعی از اثرات عوامل به دست آورند و سازگاری یافته‌ها را در مطالعات مختلف ارزیابی کرد. با توجه به اهمیت موضوع، ضرورت استفاده از روش فرا تحلیل در مطالعات احساس امنیت اجتماعی زنان به‌منظور یکدست کردن نتایج مطالعات صورت گرفته و هم سو کردن مفاهیم مورد استفاده در مطالعات انجام‌شده به‌منظور شناسایی خلأها و کاستی‌های این حوزه مطالعاتی احساس می‌شود. تلاش خواهد شد با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر این پدیده، اندازه اثر عوامل موردبحث و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه تجربی

پیشینه پژوهش‌های تجربی در باب احساس امنیت اجتماعی زنان در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

در بخش پیشینه پژوهش سعی شده است منابعی مورد استخراج و استنباط قرار گرفته‌اند که به روش کمی به بررسی رابطه و اثرگذاری عوامل مختلف بر احساس امنیت اجتماعی زنان در دهه ۱۳۹۰ پرداخته‌اند. مجموع ۲۵ مقاله در این رابطه شناسایی شد و همه موارد در فرا تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول ۱- پیشینه تجربی پژوهش

کد	عنوان	نویسنده
۱	ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری	پوراحمد و همکاران (۱۳۹۶)
۲	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان	رضائی و همکاران (۱۳۹۶)
۳	ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت زنان	لطفی و همکاران (۱۳۹۶)
۴	سکونت‌گاه‌های شهری و امنیت زنان در فضای عمومی	قدرتی و روشندل (۱۳۹۵)
۵	بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان	الماسی (۱۳۹۵)
۶	احساس امنیت اجتماعی-اقتصادی زنان پس از طلاق و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی	قدرتی (۱۳۹۵)
۷	بررسی میزان احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر در آن	کرد زنگنه و همکاران (۱۳۹۵)
۸	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان	غلام نیارمی و انصاری (۱۳۹۵)
۹	پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی	سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)
۱۰	عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری	گلی و همکاران (۱۳۹۴)
۱۱	مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان	شریتیان و همکاران (۱۳۹۴)
۱۲	بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت زنان	صنعت‌خواه (۱۳۹۴)
۱۳	بررسی میزان و عوامل اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی	حاجی‌زاده و ترکی (۱۳۹۳)
۱۴	سنجش ابعاد اجتماعی و روانی احساس امنیت زنان	شریتیان (۱۳۹۳)
۱۵	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی	مصلی‌نژاد و پلتن (۱۳۹۳)
۱۶	بررسی رابطه مصرف رسانه با احساس امنیت اجتماعی زنان	صداقت‌زادگان و کرمی (۱۳۹۲)
۱۷	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی	عبداللهی و همکاران (۱۳۹۲)
۱۸	بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان	جهانگیری و مساوات (۱۳۹۲)
۱۹	بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان	شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۱)
۲۰	بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن	احمدی و کلدی (۱۳۹۱)
۲۱	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی	ذاکری‌هامانه و همکاران (۱۳۹۱)
۲۲	زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری	گلی (۱۳۹۰)

کد	عنوان	نویسنده
۲۳	رابطه هویت اجتماعی و احساس امنیت زنان	نیازی و شادفر (۱۳۹۰)
۲۴	تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان	نیازی و همکاران (۱۳۹۰)
۲۵	هویت اجتماعی و احساس امنیت زنان	شایگان و رستمی (۱۳۹۰)

بیشتر مطالعاتی که در بخش پیشینه ذکر آن‌ها رفت، به بررسی عوامل اثرگذار بر احساس امنیت زنان پرداخته‌اند و هر کدام یک یا چند عامل از عوامل اثرگذار را موردسنجش قرار داده‌اند، به‌عنوان مثال برخی به رابطه هویت اجتماعی و امنیت پرداخته‌اند، برخی مصرف رسانه، حمایت اجتماعی، فضای شهری، عوامل فرهنگی و موارد این‌چنینی را موردبررسی قرار داده‌اند. بیشتر مطالعات صورت گرفته از منظری غیرجامع و تک عاملی امنیت اجتماعی زنان را بررسی کرده‌اند و غافل از بررسی مجموعه‌ای از عوامل و ارائه تصویری کم‌وبیش منسجم از امنیت اجتماعی زنان بوده‌اند. در خصوص امنیت اجتماعی و فراتحلیل، هر یک به صورت جداگانه، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ اما تاکنون، فراتحلیل درباره احساس امنیت اجتماعی و به‌ویژه در حوزه زنان در ایران انجام نشده و حتی در ادبیات نظری و پژوهش‌های خارجی هم اندک یا نادر بوده است.

جمع‌بندی کلی برگرفته از بررسی این تحقیقات حاکی از آن است که مطالعات گوناگونی در زمینه احساس امنیت اجتماعی زنان به انجام رسیده است که هر یک دارای نتایج ارزشمندی است و هر کدام از پژوهش‌های فوق از منظرهای نظری مختلف به جنبه‌ها و ابعاد گوناگون پدیده پرداخته و به شناسایی عوامل اثرگذار بر امنیت اجتماعی زنان مسئله نظر کرده‌اند؛ علی‌رغم انجام پژوهش‌های متعددی در مورد احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران، نتایج این مطالعات گاه متناقض و پراکنده به نظر می‌رسند. برخی از مطالعات نشان می‌دهند که زنان در محیط‌های عمومی مانند خیابان‌ها، پارک‌ها و وسایل حمل‌ونقل عمومی احساس ناامنی می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر از مطالعات بر احساس امنیت نسبی زنان در محیط‌های خصوصی مانند خانه تأکید دارند. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از تفاوت در روش‌شناسی، نمونه‌گیری، یا تعاریف متفاوت از احساس امنیت باشد. بنابراین، انجام

یک فرا تحلیل جامع از این مطالعات می تواند به شناسایی الگوهای مشترک، عوامل مؤثر و خلاهای پژوهشی کمک کند. در این پژوهش با استفاده از رویکرد فرا تحلیل و نرم افزار cma2 این موضوع مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته است.

مبانی نظری

پژوهش حاضر به مثابه یک پژوهش فرا تحلیلی، چارچوب نظری مشخصی را دنبال نمی کند. به همین دلیل، مباحثی که در ارتباط با مبانی نظری و مفاهیم نظری مرتبط با موضوع پژوهش مطرح می شود عمدتاً جهت نزدیکی و آشنایی با فضای مفهومی و نظری تحقیقات مورد بررسی در این تحقیق است؛ بنابراین در اینجا چارچوب مفهومی یا نظری موضوعیت ندارد. مفاهیمی نظیر احساس امنیت اجتماعی، عوامل اجتماعی، شرایط ساختاری، جنسیت و... فضای مفهومی پژوهش را می سازند. در ابتدا برای فهم بهتر فضای مفهومی احساس امنیت اجتماعی تفاوت آن را با سایر اشکال امنیت مورد بررسی قرار می دهیم. سپس با کنکاش در باب مفهوم امنیت اجتماعی مهم ترین رویکردهای نظری که به نوعی در تحقیقات بررسی شده در فرا تحلیل نیز استفاده شده اند، معرفی می شوند.

سطحی از امنیت که به روابط و تعاملات اجتماعی وابسته است، تحت عنوان «امنیت اجتماعی» شناخته می شود. به این معنا که پس از آن که مفهوم امنیت فردی برای افراد شناخته شد، آن ها برای تأمین و تحکیم موقعیت خود و در راستای احساس امنیت، نیازمند پیوستن به گروه ها و اجتماعات مختلف اجتماعی هستند. احساس امنیت اجتماعی، یک حالت ذهنی است که نشان می دهد افراد تا چه اندازه خود را در برابر خطرات و آسیب های اجتماعی در امان می دانند. این احساس، بر پایه ارزیابی افراد از محیط اطرافشان، تجربیات گذشته، و سطح اعتمادشان به نهادهای اجتماعی و افراد دیگر شکل می گیرد. امنیت اجتماعی نوعی احساس اطمینان است که در آن، گروه ها و جامعه نقش اصلی را ایفا می کنند. این مفهوم تفاوت های اساسی با تأمین اجتماعی دارد. امنیت اجتماعی بیشتر به ایجاد احساس امنیت و آرامش در برابر تهدیدات بیرونی و درونی جامعه می پردازد و آن را

در برابر تحرکات خشونت آمیز و دغدغه های ناشی از احساس تهدید و ناامنی تقویت می کند، درحالی که تأمین اجتماعی، به طور خاص، مشکلات و نیازهای معیشتی و اجتماعی افراد در شرایط خاص را پوشش می دهد. امنیت اجتماعی به شرایط عینی و ساختاری جامعه مربوط می شود که در آن افراد از خطرات جانی، مالی و روانی محافظت می شوند. امنیت اجتماعی شامل سیاست ها، قوانین و نهادهایی است که برای ایجاد محیطی امن و پایدار طراحی شده اند. برای مثال، وجود قوانین محکم علیه خشونت خانگی یا حضور پلیس در مناطق پرخطر می تواند به افزایش امنیت اجتماعی کمک کند. اما احساس امنیت بیشتر به جنبه های روان شناختی و ذهنی امنیت مربوط می شود و تحت تأثیر عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی قرار می گیرد. احساس امنیت، برخلاف امنیت اجتماعی که بیشتر به شرایط واقعی جامعه مربوط می شود، احساس امنیت به ادراک فردی از وضعیت امنیتی اطراف خود اشاره دارد. این احساس می تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد نظیر تجربیات شخصی، اطلاعات و آگاهی، شخصیت و ویژگی های فردی و محیط اجتماعی و فرهنگی قرار داشته باشد. برای مثال، یک زن ممکن است در یک محیط عیناً امن، به دلیل تجربیات گذشته یا ترس های شخصی، احساس ناامنی کند. در امنیت اجتماعی، احساس امنیت گروه های مختلف در جامعه است که به عنوان معیاری برای ارزیابی امنیت جامعه در نظر گرفته می شود. امنیت مقوله مهم نظام اجتماعی است (نقیب زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰). اهمیت امنیت در حیات جمعی و خلاقیت و توسعه آن در آثار فروم (۱۹۴۱)، آلپرت (۱۹۶۱)، هورنی (۱۹۳۷)، مازلو (۱۹۴۲)، لینگ (۱۹۸۴)، مورز (۱۹۸۰)، لوه (۱۹۸۷)، لوچیانی (۱۹۸۹)، ولفرز (۱۹۶۲)، بوزان (۱۹۹۱) و ماندل (۱۹۹۴) انعکاس یافته است (جلیلیان و چقاگردی، ۱۳۹۶). درمجموع، امنیت دارای دو معنا، یکی ایجابی، یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان و دیگری سلبی، یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید است (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۶). امنیت دارای دو عنصر اساسی تهدید و فرصت است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره گیری بهینه از فرصت هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸).

بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند. به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۲: ۳۷۸). از نظر وی، فرد واحدی غیرقابل تقسیم در کاربرد مفهوم امنیت است. به همین لحاظ امنیت فردی نقطه شروع خوبی برای تحلیل‌های گسترده‌تر است. پیگیری امنیت فردی به عنوان یک موضوع مستقل باعث می‌شود که به‌طور بنیادی وارد قلمرو سیاست، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی شویم. امنیت فردی به شبکه روابط و تناقضات بین امنیت شخصی و امنیت دولت ارتباط پیدا می‌کند. دولت منشأ اصلی تهدید و نیز امنیت افراد است. از نظر وی عواملی نظیر حیات، دارایی و ثروت، موقعیت اجتماعی، سلامتی و نظایر آن به امنیت فردی راجع‌اند و تهدید علیه آن‌ها امنیت فردی را به خطر می‌اندازد. به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهد ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه). غالباً این تهدیدات باهم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آن‌ها، ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود. وی چنین نتیجه می‌گیرد که افراد در جامعه، دولت‌ها را به وجود می‌آورند تا از این تهدیدات در امان باشند و بدین ترتیب دولت به صورت مکانیسمی درمی‌آید که از طریق آن مردم در صدد دستیابی به سطوح کافی از امنیت در مقابل تهدیدات جامعه هستند و این پدیده‌ای است که مهم‌ترین برجستگی تمدن جدید است (Buzan, 2008: 51).

جنسیت و احساس ناامنی با مطالعات فمینیستی باتلر (۱۹۹۸) آغاز شده و بر روی ترجیح جنسیتی مؤثر بوده است. اروینگ گافمن در کتاب *ارائه خود در زندگی روزمره*

(۱۹۵۹) مسئله ترجیح جنسیتی را به طور واضح بیان نموده است. در این کتاب، بحث بر سر این بود که انسان‌ها هنگامی که با دیگران ملاقات می‌کنند، چگونه خود را نمایش می‌دهند. بیشتر کنشگران روی صحنه، تلاش می‌کنند تا اطلاعاتی از طریق ایما، اشاره و بازی‌های بدنی درباره هویت خودشان ارائه دهند. تئوری ترجیح جنسیتی در همین مسیر قرار گرفته، استدلال می‌کند که به جای این که جنسیت را امری ابتدایی و ثابت مثل نگاه بیولوژیکی به جنس بدانیم، باید نگاهی به مثابه هویت مجسم شده آدمیزاد دانست که به دست آمده و در فرایند اجتماع شدن در نظام خانواده، محله، محیط، مدرسه و شبکه‌های اجتماعی بازسازی می‌گردد. امری مداوم که به عنوان سبک کنش تکراری تلقی می‌شود (Butler, 1988: 519). بوویر (1956: 2739) استدلالی مشهوری به این شرح می‌آورد که انسان زن زاده نمی‌شود، بلکه زن امری ساخت یافته است. یک زن امری مقدر بیولوژیکی نیست که تصورات را شکل می‌دهد، بلکه زن یک موجود انسانی که در جامعه معنا یافته و فرهنگ به عنوان میراث تمدنی این را بازتولید می‌کند. اگر تصور ما از زنان (Gardner, 1995 and Namaste, 1996) مبتنی نظام مردسالاری، تفاوت ذاتی و فرودست و فرادست باشد، تداوم این فرهنگ و روایت، منجر به شکل‌گیری مزاحمت علیه زنان در اجتماع شده و امنیت آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود تصورات قالبی رایج، پیش‌داوری‌ها، فرهنگ مرد محوری، اعضای اجتماع را قانع می‌کند که اجتماع امری جنسیتی است و این به شکل گرفتن فضای ناامن علیه زنان کمک می‌کند (Blatter, 1988 and Namaste, 1996). بر این اساس، وجود باورهای ساخته اجتماع (کلیشه، عقاید قالبی و پیش‌داوری، نظام مردسالاری، فرودستی و فرادستی)، بسترهای احساس ناامنی در زنان را شکل می‌دهد. از دیدگاهی جامع‌تر در ارتباط با مقوله جنسیت و احساس امنیت اجتماعی می‌توان گفت مبانی نظری این تحقیق در ترکیبی از نظریه فمینیستی، نظریه عدالت اجتماعی، اقتصاد سیاسی و قشربندی اجتماعی ریشه دارد که به طور مشترک لنز جامعی برای درک دینامیک‌های جنسیتی در ارتباط با مسئله امنیت اجتماعی فراهم می‌کنند. این چارچوب‌ها به بررسی موانع ساختاری و سیستمی که زنان در دستیابی به امنیت اجتماعی با آن‌ها مواجه

هستند، کمک می‌کنند و درعین حال بر نیاز به سیاست‌هایی که ترویج‌دهنده برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی هستند، تأکید می‌نمایند. در هسته نظریه فمینیستی این ادعا وجود دارد که نابرابری جنسیتی تنها یک مسئله فردی نیست بلکه یک مشکل ساختاری و نهادی است که زنان را در حوزه‌های مختلف زندگی، از جمله حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر قرار می‌دهد. رویکرد تقسیم کار که در چارچوب تفکر فمینیستی توسعه یافته است، ادعا می‌کند که نقش اصلی زنان در جامعه به‌طور تاریخی به کار مراقبتی بدون دستمزد و مسئولیت‌های خانوادگی مرتبط بوده است. این کار بدون دستمزد اغلب در اقتصاد رسمی نادیده گرفته شده و ارزش کمتری برای آن قائل می‌شوند که بر صلاحیت زنان برای دریافت مزایای تأمین اجتماعی، مانند مستمري و حمایت بیکاری تأثیر می‌گذارد. دارد. نظریه عدالت اجتماعی بر انصاف، برابری و توزیع مجدد منابع تأکید دارد تا اطمینان حاصل شود که همه افراد به نیازهای اساسی زندگی دسترسی دارند. در زمینه امنیت اجتماعی، این چارچوب نظری استدلال می‌کند که سیستم‌های تأمین اجتماعی باید به گونه‌ای طراحی شوند که دسترسی عادلانه را برای همه شهروندان، به‌ویژه گروه‌های حاشیه‌نشین مانند زنان که با چالش‌های اقتصادی-اجتماعی منحصربه‌فردی مواجه هستند، تضمین کنند. بر اساس نظریه عدالت جان رالز، عدالت زمانی محقق می‌شود که نابرابری‌ها به گونه‌ای ترتیب داده شوند که به نفع کم برخوردارترین اعضای جامعه باشد. در مورد وضعیت زنان در ایران، نظریه عدالت ایجاب می‌کند که سیاست‌هایی برای اصلاح نابرابری‌های جنسیتی در دسترسی به حمایت‌های اجتماعی وضع شود، چه از طریق سیاست‌های توزیعی که نابرابری درآمدی را کم می‌کنند و چه از طریق اصلاحات در ساختارهای قانونی که به‌طور نامتناسبی زنان را در مضیقه قرار می‌دهند. از دیدگاه اقتصاد سیاسی و نقش دولت سیاست‌ها اغلب منافع گروه‌های اجتماعی غالب را منعکس می‌کنند که در بسیاری از زمینه‌ها پدرسالارانه هستند. دولت می‌تواند نقش تحول‌آفرینی در مقابله با نابرابری‌های جنسیتی ایفا کند با طراحی سیاست‌هایی که به‌طور مستقیم با نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی که زنان با آن مواجه هستند، مقابله کنند. به‌عنوان مثال، اگر دولت اقدام

به معرفی یا گسترش سیاست‌هایی کند که مرخصی زایمان با حقوق، برنامه‌های بازنشستگی حساس به جنسیت یا مزایای درمانی را فراهم کند، این اقدامات می‌توانند به‌طور مستقیم احساس ناامنی‌ای که زنان با آن مواجه هستند، برطرف کنند. تقاطع‌گرایی و قشربندی اجتماعی، فرض می‌کند که دسته‌های اجتماعی مانند جنسیت، طبقه، قومیت و هویت سیاسی به‌گونه‌ای تلاقی می‌کنند که اشکال منحصر به فردی از سرکوب ایجاد می‌کنند. تجربیات زنان از امنیت اجتماعی نمی‌تواند به‌طور کامل درک شود مگر اینکه عوامل دیگری مانند طبقه، موقعیت شهری یا روستایی و هویت سیاسی در کنار جنسیت مورد توجه قرار گیرند تا زنان به امنیت اجتماعی دست یابند. این رویکرد تقاطعی کمک می‌کند تا توضیح دهد چرا زنان ممکن است با چالش‌های مضاعفی در دسترسی به امنیت مواجه شوند، به‌ویژه برای زنانی که از زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر یا مناطق روستایی هستند، جایی که نقش‌های جنسیتی سنتی بیشتر ریشه‌دار شده و حمایت‌های قانونی ضعیف‌تر است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع فرا تحلیل^۱ (کمی) است. فرا تحلیل، ترکیب، انسجام‌بخشی و یکدست‌سازی مطالعات صورت گرفته در یک زمینه مشخص است. این روش برای مرور نظام‌مندی استفاده می‌شود که نتایج حاصل از تعداد زیادی از مطالعات را به‌صورت کمی ترکیب می‌کند و دارای ۵ مرحله (۱) تنظیم سؤال، (۲) جست‌وجوی ادبیات، (۳) انتخاب تحقیقات واجد شرایط، (۴) استخراج داده‌ها و ارزیابی کیفیت و اعتبار آن و (۵) ترکیب، تعبیر و تفسیر گزارش است. هدف فرا تحلیل که به‌عنوان روشی معتبر در حوزه مطالعاتی عصر نوین شناخته شده است، دستیابی به اندازه اثر است و اندازه اثر عبارت است از نسبت آزمون معنی‌داری به حجم مطالعه که نشان‌دهنده میزان یا درجه حضور یک پدیده در

جامعه است و هرچه بزرگ‌تر باشد، درجه حضور پدیده هم بیشتر است (خیراندیش و لطیفی جلیسه، ۱۳۹۶). شاخص اندازه اثر به نوعی، نسبت آزمون معنی‌داری به حجم نمونه است و از طریق محاسبه اندازه اثر، محقق درمی‌یابد که متغیر مستقل تا چه اندازه‌ای بر متغیرهای وابسته اثر گذاشته است و متغیرهای وابسته به چه میزان توسط متغیر مستقل (اخلاق حرفه‌ای) تبیین شده‌اند. درواقع، اندازه اثر همان محاسبه نمره استاندارد است که وضعیت متغیر اثرگذار (اخلاق حرفه‌ای) بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. برای اندازه اثر دو خانواده عمده d و r وجود دارد در خانواده (d) سه عنصر مهم و نسبتاً مشابه یعنی (d) کوهن^۱ (۱۹۷۷)، (g) هدگز^۲ (۱۹۸۷) و دلتای گلاس وجود دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ با موضوع احساس امنیت اجتماعی زنان است که در پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (Noormags)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) ثبت شده است. از میان بیش از ۳۶ مطالعه شناسایی شده در باب «احساس امنیت اجتماعی زنان»، درنهایت ۲۵ سند پژوهشی متناسب با ملاک‌های فرا تحلیل کمی (ضریب همبستگی، حجم نمونه، سطح معنی‌داری، کیفیت پژوهش، اعتبار و ورایی پژوهش، پیمایش) انتخاب شدند. بعد از دسته‌بندی اولیه مطالعات، سنخ‌شناسی و توصیف آن، درنهایت متغیرهای پژوهش که بیش از ۲ بار در مطالعات تکرار شده‌اند، برای تعیین اندازه اثر و ضریب همبستگی آن وارد نرم‌افزار CMA2 شدند.

یافته‌های پژوهش

ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش با احساس امنیت اجتماعی زنان

در این بخش، ضرایب همبستگی بین عوامل کلیدی شناسایی شده که بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران تأثیر می‌گذارند، بررسی می‌شود. با بررسی روابط بین متغیرهایی

1. Cohen
2. Hedges

مانند استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فقر و فرودستی زنان، هدف ما درک بهتر از میزان تأثیر این متغیرهاست. ضریب‌های همبستگی بینش‌های ارزشمندی در مورد چگونگی تعامل این عوامل با یکدیگر و نقش جمعی آن‌ها در شکل‌دهی به احساس امنیت اجتماعی زنان ارائه می‌دهند. این تحلیل به برجسته‌سازی وابستگی‌های متقابل بین عناصر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمک می‌کند و درک واضح‌تری از دینامیک‌های پیچیده‌ای که بر پدیده مورد بررسی در جامعه ایرانی تأثیر می‌گذارد، ارائه می‌دهد.

جدول ۲- ضریب و مقدار پیوستگی متغیرهای مستقل با احساس امنیت اجتماعی زنان

متغیر	گزارش آماری			فرض ناهمگونی		سطح اثرگذاری
	Effect size	Z	sig	Q	sig	
استفاده از رسانه‌های جمعی	۰,۳۱۰	۲,۷۵۳	۰,۰۰۰	۶۳,۴۳۶	۰,۰۰۰	متوسط
اعتماد اجتماعی	۰,۴۵۵	۳,۸۹۸	۰,۰۰۰	۲۲,۳۶۳	۰,۰۰۰	متوسط
سرمایه فرهنگی	۰,۳۰۵	۳,۷۳۸	۰,۰۰۰	۱۰,۷۷۶	۰,۰۰۵	متوسط
انسجام اجتماعی	۰,۲۹۶	۴,۱۳۲	۰,۰۰۰	۵۳,۴۹۴	۰,۰۰۰	کم
مشارکت اجتماعی	۰,۴۵۲	۴,۳۹۹	۰,۰۰۰	۹,۵۵۱	۰,۰۰۲	متوسط
فقر و فرودستی زنان	۰,۴۴۱	۴,۳۶۱	۰,۰۰۰	۱۰,۲۰۸	۰,۰۰۴	متوسط

نتایج حاصل از جدول فوق نشان می‌دهد که:

- اثر کل استفاده از رسانه‌های جمعی: $\text{Effect size} = ۰/۳۱۰$ می‌باشد که در سطح $P\text{-Value} = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی زنان بوده و توانسته ۰/۳۱۰ درصد از تغییرات امنیت زنان را تبیین نماید. این مهم به این معنی است که میزان استفاده از رسانه‌ها می‌تواند بر امنیت زنان تأثیرگذار باشند به این صورت که زنانی که اطلاعات بیشتری را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند و سطح آگاهی‌شان بالاتر می‌رود، در برابر انواع آسیب‌ها آگاه‌تر هستند و بعضاً نحوه برخورد با آن را نیز بهتر می‌دانند. لذا مصرف رسانه‌های جمعی خود عامل مهمی برای امنیت زنان در سطح جامعه به حساب می‌آید.

- اثر کل اعتماد اجتماعی: $Effect\ size = ۰/۴۵۵$ می باشد که در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی زنان بوده و توانسته ۰/۴۵۵ درصد از تغییرات امنیت زنان را تبیین نماید. به عبارتی اعتماد اجتماعی پیش شرط تعاملات اجتماعی است و می تواند تعاملات را از نابهنجاری بازدارد، باعث ایجاد حس امنیت می شود و در چنین شرایطی است که اعضای جامعه از جمله زنان برای حضور در اجتماع و انجام انواع فعالیت ها احساس امنیت می کنند.

- اثر کل سرمایه فرهنگی: $Effect\ size = ۰/۳۰۵$ می باشد که در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی زنان بوده و توانسته ۰/۳۰۵ درصد از تغییرات امنیت زنان را تبیین نماید. درواقع سرمایه فرهنگی عنصری ضروری برای ایجاد، نگهداشت و کنترل و پایداری امنیت می باشد و امنیت را باید با فرهنگ در سیستم اجتماعی ایجاد کرد نه با فشارهای جبری و آنچه اهمیت دارد آگاه سازی در زمینه فرهنگ امنیت است.

- اثر کل انسجام اجتماعی: $Effect\ size = ۰/۲۹۶$ می باشد که در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر امنیت زنان بوده و توانسته ۰/۲۹۶ درصد از تغییرات احساس امنیت اجتماعی زنان را تبیین نماید. به این صورت که استمرار و پایداری حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه و به طور کلی امنیت جامعه و در نهایت امنیت گروه های خاص همچون زنان در گرو انسجام و اتحاد اعضای آن جامعه می باشد. هراندازه سطح انسجام بیشتر، میزان احساس امنیت نیز در بین افراد بیشتر می شود.

- اثر کل مشارکت اجتماعی: $Effect\ size = ۰/۴۵۲$ می باشد که در سطح $P-Value = ۰/۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر امنیت زنان بوده و توانسته ۰/۴۵۲ درصد از تغییرات احساس امنیت اجتماعی زنان را تبیین نماید. مشارکت فعالیت هایی است که شهروندان به طور مستقیم یا غیرمستقیم انجام می دهند. مشارکت شهروندان در شرایط احساس امنیت اجتماعی شکل می گیرد و در جامعه استمرار می یابد. احساس امنیت اجتماعی از جمله ملزومات اساسی توسعه پایدار و موزون یک جامعه به شمار می رود.

احساس امنیت به معنای آرامش روحی و روانی در برابر خطرهای و حوادثی است که در زندگی روزمره فرد را تهدید می‌کند. در استقرار سازوکارهای امنیت اجتماعی، نقش مشارکت مردم بیش از هرگونه اقدام سخت‌افزاری حائز اهمیت است.

- اثر کل فقر و فرودستی زنان: $\text{Effect size} = 0/441$ می‌باشد که در سطح $P\text{-Value} = 0/000$ دارای تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی زنان بوده و توانسته $0/441$ درصد از تغییرات امنیت زنان را تبیین نماید. درواقع می‌توان اذعان داشت اولین دستاورد فقر و فرودستی، بروز ناامنی در سطوح مختلف جامعه است که با گسترش آن سطح احساس امنیت پایین می‌آید. بدون تردید فقر و نابرابری‌های اقتصادی از زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر مسائل اجتماعی برخوردار است. فقر از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که باوجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. مشکلات فقر صرفاً منحصر به پیامدهای خود فقر نمی‌باشد، بلکه مشکلات این مسئله اجتماعی زمانی شدت پیدا می‌کند که آن بستر ساز ناامنی می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این فرا-تحلیل درک نسبتاً جامعی از عوامل کلیدی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران ارائه می‌دهند. با بررسی مطالعات مختلف در این زمینه، روشن می‌شود که احساس امنیت اجتماعی زنان نه تنها تحت تأثیر عوامل فردی قرار می‌گیرد، بلکه به شدت با شرایط اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی گسترده‌تر در ارتباط است. عوامل شناسایی شده در این مطالعه - استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فقر و فرودستی زنان - بینش‌های ارزشمندی در مورد چشم‌انداز پیچیده احساس امنیت از سوی زنان در جامعه ایران ارائه

می‌دهند. نتیجه‌گیری این فرا تحلیل نشان می‌دهد که احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عواملی است که شامل تأثیر رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و آسیب‌پذیری اقتصادی می‌شود. درحالی‌که در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌هایی حاصل شده است، چالش‌های قابل توجهی همچنان باقی مانده‌اند. پرداختن به این عوامل به صورت جامع و یکپارچه برای ایجاد محیطی که زنان بتوانند از احساس امنیت کامل اجتماعی برخوردار باشند و از تبعیض، خشونت و حاشیه‌ای شدن آزاد باشند، ضروری است. برای افزایش احساس امنیت در ایران، ضروری است که نه تنها می‌بایست بر بهبود دسترسی به آموزش و فرصت‌های اقتصادی تمرکز کرد، بلکه باید با چالش‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی که نابرابری جنسیتی را تداوم می‌بخشند، نیز مقابله نمود. سیاست‌گذاران باید ایجاد پلتفرم‌های فراگیر برای مشارکت زنان در تمام جنبه‌های زندگی عمومی و خصوصی را در اولویت قرار دهند و برنامه‌های اجتماعی می‌بایست معطوف به ترویج و تقویت اعتماد و همبستگی در جامعه باشند. نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به ادراکات عمومی درباره زنان نیز باید شناسایی و برای ترویج تغییرات مثبت مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین به طور کلی، احساس امنیت اجتماعی زنان در ایران به شدت با تغییرات ساختاری و تحولات فرهنگی درهم تنیده است. با پرداختن به عوامل چندبعدی شناسایی شده در این مطالعه، می‌توان به جامعه‌ای نزدیک‌تر شد که در آن زنان احساس توانمندی، امنیت و برابری در شکل‌دهی به آینده خود داشته باشند.

استفاده از رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی نقش دوگانه‌ای در شکل‌دهی به احساس امنیت از سوی زنان ایفا می‌کنند. از یک سو، رسانه‌ها می‌توانند ابزاری قدرتمند برای ترویج آگاهی درباره حقوق زنان، توانمندسازی و مشارکت اجتماعی باشند. از سوی دیگر، تصویرسازی از زنان در رسانه‌ها، به ویژه در محیط‌های سنتی و محافظه کارانه، می‌تواند کلیشه‌هایی را تداوم بخشد که نابرابری جنسیتی را تقویت می‌کنند. جایی که رسانه‌های سنتی غالباً تسلط دارند، چالش در استفاده از رسانه‌ها برای تغییر ادراکات، ترویج نمایه‌های مثبت و به چالش کشیدن روایت‌های مضر نهفته است. افزایش دسترسی به

کانال‌های رسانه‌ای متنوع و فراگیر می‌تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی برای بهبود احساس امنیت اجتماعی زنان باشد.

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی عامل حیاتی دیگری است که بر احساس امنیت زنان تأثیر می‌گذارد. اعتماد بین افراد و درون جوامع تعیین‌کننده میزان احساس امنیت، ارزشمندی و حمایت زنان در جوامعشان است. کمبود اعتماد که می‌تواند به واسطه تمایزات اجتماعی، بی‌ثباتی سیاسی یا شیوه‌های تبعیض آمیز تقویت شود، حس امنیت زنان را تضعیف می‌کند. در جامعه‌ای که زنان با چالش‌هایی در زمینه دسترسی به منابع و مشارکت در زندگی عمومی مواجه هستند، ایجاد اعتماد بین مردان و زنان و همچنین بین گروه‌های اجتماعی و قومی مختلف، برای ایجاد محیطی که در آن زنان بتوانند بدون ترس از حاشیه‌ای شدن یا خشونت شکوفا شوند، ضروری است.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی که به دسترسی به آموزش و مهارت‌ها اشاره دارد، نقش مهمی در توانمندسازی زنان و افزایش حس امنیت اجتماعی آن‌ها ایفا می‌کند. سطوح بالاتر آموزش و آگاهی فرهنگی می‌تواند فرصت‌های اقتصادی زنان را افزایش دهند، آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر خشونت را کاهش دهند و کیفیت کلی زندگی آنان را بهبود بخشند. در ایران، جایی که ساختارهای پدرسالارانه اغلب دسترسی زنان به تحصیلات عالی و فرصت‌های شغلی را محدود می‌کنند، گسترش سرمایه فرهنگی زنان از طریق اصلاحات آموزشی و حمایت از توسعه حرفه‌ای می‌تواند تأثیر عمیقی بر احساس امنیت اجتماعی آن‌ها داشته باشد.

همبستگی اجتماعی: همبستگی اجتماعی، یا قدرت پیوندها در یک جامعه، برای امنیت جمعی همه اعضای آن، از جمله زنان، ضروری است. وقتی جوامع از انسجام اجتماعی برخوردارند، احتمال بیشتری وجود دارد که محیط‌هایی ایجاد کنند که به برابری، احترام و رفاه مشترک ارزش قائل شوند. در جوامعی که زنان با تبعیض یا طرد مواجه هستند، انسجام اجتماعی تضعیف می‌شود و حس تعلق و امنیت زنان به خطر می‌افتد. سیاست‌ها و ابتکاراتی که برابری جنسیتی، تحمل و سیستم‌های حمایت مبتنی بر جامعه را

ترویج می‌دهند، برای تقویت همبستگی اجتماعی و به تبع آن، افزایش احساس امنیت اجتماعی زنان حیاتی هستند.

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه و ایجاد حس امنیت اجتماعی برای زنان است. مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌گیری —چه در سیاست، جامعه مدنی، یا فعالیت‌های اجتماعی— زنان را توانمند می‌سازد و به آنها این امکان را می‌دهد که از حقوق و منافع خود دفاع کنند. در ایران، زنان در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌اند، اگرچه مشارکت آنها همچنان با موانع ساختاری و فرهنگی محدود شده است. افزایش مشارکت زنان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نه تنها احساس امنیت آنها را بهبود می‌بخشد بلکه به جامعه‌ای فراگیرتر و دموکراتیک‌تر نیز کمک می‌کند.

فقر و فرودستی زنان: فقر یکی از مهم‌ترین چالش‌ها برای احساس امنیت اجتماعی از سوی زنان است. آسیب‌پذیری اقتصادی، زنان را بیشتر در معرض خشونت، استثمار و حاشیه‌ای شدن قرار می‌دهد. در کشور، زنان در گروه‌های کم‌درآمد اغلب با ناامنی بیشتری مواجه هستند. علاوه بر این، فرودستی زنان که به شدت در هنجارهای فرهنگی و اجتماعی ریشه دارد، آسیب‌پذیری آنها را تشدید می‌کند. غلبه بر تلاقی فقر و نابرابری جنسیتی نیازمند یک رویکرد جامع است که به هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی ناامنی زنان پرداخته شود. برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی، دسترسی به خدمات اجتماعی و تلاش برای به چالش کشیدن نگرش‌های فرهنگی نسبت به زنان، گام‌های اساسی در بهبود امنیت اجتماعی زنان هستند.

سپاسگزاری:

از همه کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند سپاسگزاریم.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

ORCID

Mohammad Amirpanahi



<https://orcid.org/0009-0006-6996-1186>

Fatemeh Namiyan



<https://orcid.org/0000-0001-6799-890X>

منابع

- احمدی، محمد و کلدی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *مجله زن و جامعه*، دوره ۳، شماره ۱: ۴-۲۰.
- الماسی، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان ساکن مجتمع‌های مسکونی مهر شهر ایلام. *مجله مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۱: ۱۰۳-۱۲۷.
- بقایی سرایی، علی؛ و حق‌شناس، سمیه. (۱۳۹۵). تأثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی. *پژوهشنامه زنان*، دوره ۷، شماره ۱۵: ۷۳-۷۹.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۷). امنیت تردد زنان در فضای شهری و سنجش مشارکتی آن‌ها در بخش مرکزی شهر تهران. *مجله تحقیقات زنان*، دوره ۲، شماره ۴: ۹۱-۱۲۳.
- بنی فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ و صبوری، رباب. (۱۳۹۵). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمان‌ها و ادارات دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن. *مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۱: ۲۹-۴۶.
- پوراحمد، احمد؛ آروین، محمود؛ و رحیم‌پور، نگار. (۱۳۹۶). ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری؛ مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز. *مجله مطالعات شهری*، دوره ۶، شماره ۵۳: ۲۳-۶۸.
- پور موسوی، سید موسی؛ و امینی، میلاد. (۱۳۹۲). شاخص‌های شهر امن در اسلام و جایگاه حقوق شهروندی و مدیریت شهری در ارتقای امنیت اجتماعی؛ در مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی مدیریت شهری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جهانگیری، جهانگیر؛ و مساوات، ابراهیم. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان؛ مورد مطالعه: زنان ۴۰-۱۵ سال شهر شیراز. *مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۲: ۴۱-۵۵.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود؛ و ترکی، سیمین. (۱۳۹۳). بررسی میزان و عوامل اجتماعی مرتبط

- بااحساس امنیت اجتماعی زنان شهر یزد. مجله پلیس زن، دوره ۲۰، شماره ۵۶:۶۸-۵۶.
- ذاکری هامانه، راضیه؛ افشانی، سید علی رضا؛ و عسکری ندوشن، عباس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۳، شماره ۳: ۸۳-۱۱۰.
- رضائی، مریم؛ میرساردو، طاهره رضائی، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بااحساس امنیت اجتماعی زنان. مجله انتظام اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴۹:۷۴-۴۹.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی (جلد ۲). تهران: کیهان.
- سراج زاده، سید حسین؛ جواهری، فاطمه و رحمتی، الهام. (۱۳۹۴). پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۲: ۱۳۵-۱۵۹.
- شارع پور، محمود؛ تقوی، سیده زینب و سلیمانی بشلی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در شهر آمل. مجله زن و مطالعات خانواده، دوره ۵، شماره ۷:۹۱-۱۰۶.
- شایگان، فریبا؛ و رستمی، فاطمه. (۱۳۹۰). هویت اجتماعی و احساس امنیت؛ مطالعه موردی زنان. مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۹:۱۴۹-۱۸۲.
- شربتیان، محمدحسن. (۱۳۹۳). سنجش ابعاد اجتماعی و روانی احساس امنیت زنان کلان‌شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن. مجله زن و مطالعات خانواده، دوره ۶، شماره ۷۹:۲۳-۱۰۰.
- شربتیان، محمدحسن؛ دانش، پروانه؛ و احمدی، اعظم. (۱۳۹۴). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان کلان‌شهر مشهد. مجله زن و جامعه، دوره ۶، شماره ۱: ۱۴۳-۱۶۶.
- شکوری اصل، شیده. (۱۳۹۵). ترس از جرم در بانوان در فضای شهری؛ نمونه موردی: محله مخصوص و سلامت. پژوهشنامه زنان، دوره ۷، شماره ۸۵:۲-۱۰۸.
- صداقت‌زادگان، شهناز؛ و کرمی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه بااحساس امنیت اجتماعی زنان؛ مطالعه موردی زنان شهر شیراز. مجله مطالعات سبک زندگی، دوره ۲، شماره ۶۵:۱۱۱-۱۳۳.
- صفاریان، محسن؛ مرادی، گلمراد؛ و نریمانی، مریم. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه. مجله زن و جامعه، دوره ۷، شماره ۱: ۲۱۹-۲۴۴.
- صنعت‌خواه، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت زنان در شهر تهران. مجله زن و جامعه، دوره ۶، شماره ۴: ۱۴۵-۱۶۸.

فرا تحلیل مطالعات احساس امنیت اجتماعی زنان، امیربناهی و نامیان | ۱۲۳

- عبدالهی، زهرا؛ سید میرزایی، سید محمد؛ ساروخانی، باقر و قبادی، حشمت. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار؛ مطالعه موردی: شهر ایلام. *مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۳۶: ۱۵۷-۱۷۳.
- عشایری، طاهّا. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم در شهر اردبیل (رساله دکتری). کاشان: دانشگاه کاشان.
- غلام نیارمی، آتنا؛ و انصاری، ابراهیم. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار؛ مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار شهر تهران. *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۷، شماره ۲۶: ۲۵-۶۰.
- قادرزاده، امید؛ خزایی، سارا. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضای عمومی. *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، شماره ۳: ۴۰۵-۴۲۳.
- قدرتی، شفیعه. (۱۳۹۵). احساس امنیت اجتماعی-اقتصادی زنان پس از طلاق و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر سبزوار. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۸: ۱۴۹-۱۸۳.
- قدرتی، شفیعه و روشندل، تکتم. (۱۳۹۵). سکونت‌گاه‌های شهری و امنیت زنان در فضای عمومی؛ مطالعه موردی شهر سبزوار. *مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، دوره ۶، شماره ۲۴: ۶۸-۸۸.
- کرد زنگنه، جعفر؛ محمدیان پستکان، هاشم؛ و سهرابی صمیره، شهلا. (۱۳۹۵). بررسی میزان احساس امنیت زنان و عوامل مؤثر در آن؛ مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش اداره کل بهزیستی شهرستان رامهرمز. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۸، شماره ۷۱: ۱۱۰-۱۳۰.
- گلی، علی. (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری؛ مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز. *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۳، شماره ۲: ۱۴۳-۱۶۵.
- گلی، علی؛ قاسم‌زاده، بهنام؛ فتح‌بقالی، عاطفه؛ و رمضان‌مقدم و اجاری، یاسمن. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری؛ مطالعه موردی: پارک ائل گلی تبریز. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۸، شماره ۶۹: ۹۷-۱۳۶.
- لطفی، صدیقه؛ ملازاده گنجی، جاوید؛ قدمی، مصطفی؛ و شاکری، ابوالحسن. (۱۳۹۲). ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت زنان؛ نمونه موردی: منطقه

- ۳ ساری. مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، دوره ۴، شماره ۱۲: ۱۳۷-۱۵۰.
- متولی، رضا. (۱۳۸۴). چشم‌انداز نظری سرمایه اجتماعی. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱: ۲۲-۹۶.
- مصطفی‌نژاد، ابوالقاسم؛ و پیلتن، فخرالسادات. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی؛ مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر جهرم. مجله مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲۲: ۱۰۹-۱۲۲.
- مکانیکی، جواد؛ کاوسی، الهه؛ و احتشام، سعیده. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کالبد شهر در ایجاد یا تقویت حس امنیت زنان؛ نمونه موردی: مناطق ۱ و ۲ شهر بیرجند. مجله دانش انتظامی خراسان جنوبی، دوره ۴، شماره ۸۹: ۱۰۲-۱۰۹.
- میرمحمدتبار، سید احمد؛ مجدلی، علی‌اکبر؛ و بیناد، لیلی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان. مجله مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، دوره ۱۴، شماره ۴: ۱۲۳-۱۵۶.
- نجات، سید امیررضا؛ و یاوری، علیرضا. (۱۳۸۸). شاخص‌های عملکرد انتظامی. مجله توسعه انسانی پلیس، دوره ۶، شماره ۲۷: ۱۴۳-۱۶۶.
- نجارنهادی، مریم؛ و آهنگر سلابتی، اعظم. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۳: ۱۶۷-۱۷۷.
- نصری، قدیر. (۱۳۸۱). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. مجله راهبرد، شماره ۲۶: ۴۵۵-۴۸۶.
- نوروزی، فیض‌الله؛ و فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. مجله راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۳: ۱۲۹-۱۵۹.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت. مجله مطالعات راهبردی، دوره ۹، شماره ۳۱: ۵۳-۷۲.
- نیازی، محسن؛ سهراب زاده، مهران؛ و شادفر، یاسمن. (۱۳۹۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان؛ مطالعه موردی: زنان ساکن در مناطق (۱ و ۲) تهران و مناطق (۱۹ و ۲۰) جنوب تهران. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۵: ۲۷-۷۲.
- نیازی، محسن؛ و فرشادفر، یاسمن. (۱۳۹۰). رابطه هویت اجتماعی و احساس امنیت زنان؛ مطالعه موردی زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب (۱۹ و ۲) شهر تهران در سال ۱۳۸۹. مجله مطالعات جامعه‌شناختی ایران، دوره ۱، شماره ۳: ۶۱-۷۸.

- Beauvoir, S. D. (1956). *The Second Sex* (Second edition). London: Jonathan Cape.
- Bowman, C. (1993). Street harassment and the informal ghettoization of women. *Harvard Law Review*, 106 (3), 517-580.
- Brilli, Y. and Tonello, M. (2014). *Rethinking the Crime Reducing Effect of Education*. Working Paper, EUI MWP, 2014/19.
- Day, K. Stump, C.& Carreon, D. (2003). Confrontation and loss of control. Masculinity and men's fear in public space. *Journal of Environmental Psychology*, 23 (3), 311-322.
- Fairchild, K. (2010). Context effects on women's perceptions of stranger harassment. *Sexuality and Culture*, 14 (3), 1919-216.
- Gardner, C. B. (1995). *Gender and Public Harassment*. Berkeley: University
- Goffman, E. (1959). *The Presentation of Self in Everyday Life*. Knopf Doubleday Publishing Group
- Gutek, B. A. & Done, R. S. (2001). Sexual harassment; In R. K. Unger (Ed.), *Handbook for the psychology of women and gender*. New York: Wiley.
- Hawdon, J. and Ryan, J. (2009). Social Capital, Social Control, and Changes in Victimization Rates. *Crime & Delinquency*, 55 (4).
- Kavanaugh, P. R. (2015). Pathways on the Sexual Violence Continuum: A Lifestyles. *Journal of Crime and Justice*, 38 (4), 454-472.
- Kissling, E. (1991). Street harassment: the language of sexual terrorism. *Discourse and Society*, 2 (4), 451-456.
- Koskela, H. (1999). Gendered Exclusions: Women's Fear of Violence and Changing Relations to Space. *Geografiska Annaler*, 81 (2), 111-124.
- Loukaitou-Sideris, A. (2005). Is It Safe to Walk Here? In Research on Women's Issues in Transportation. *Report of a conference*, 102-112.
- MacMillan, R. Nierobisz, A. & Welsh, S. (2000). Experiencing the streets: Harassment and perceptions. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 37 (3), 306-322.
- Massey, D. (1994). *Space, Place and Gender*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Mcleod, S. (2014). *Maslow's Hierarchy of Needs*. Available at: <http://www.simplypsychology.org/maslow.html>.
- Moller, B. (2000). *National, Societal & Human Security Discussion; Case study of the Israel – Palestine Conflict*. Brussels: Centre for European Policy Studies.
- Namaste, K. (1996). Genderbashing: Sexuality, Gender, and the Regulation of Public Space. *Environment and Planning D: Society and Space*, 14 (2), 221-240.
- Pain, R. (2001). Gender, Race, Age and Fear in the City. *Urban Studies*, 38 (5-

- 6), 899-913.
- Pryor, J. B. & McKinney, K. (1995). Research advances in sexual harassment: Introduction and overview. *Basic and Applied Social Psychology*, 17 (4), 421-424.
 - Valentine, G. (1989). The Geography of Women's Fear. *Area*, 21 (4), 385-390.
 - Wesley, J. K. and Gaarder, E. (2004). The Gendered "Nature" of the Urban Outdoors: *Women Negotiating Fear of Violence*. *Gender & Society*, 18 (5), 645-663.
 - Wiener, R. L., & Gutek, B. A. (1999). Advances in sexual harassment research, theory, and policy. *Psychology, Public Policy, and Law*, 5 (3), 507-518.
 - Wilson, E. (1991). *The Sphinx in the City: Urban Life, the Control of Disorder, and Women*. United Kingdom: Virago Press.

استناد به این مقاله: امیرپناهی، محمد و نامیان، فاطمه. (۱۴۰۳). فراتحلیل مطالعات احساس امنیت اجتماعی زنان،

فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۱ (۱۰۵)، ۹۷-۱۲۶.



Social sciences Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.